

## الگوهای مقابله مخالفان با ترویج کتب آسمانی از منظر قرآن و حدیث

حجت‌الاسلام و المسلمین برات محمد هدایتی<sup>۱</sup>

نویسنده مسئول: سلمان علی حیدری<sup>۲</sup>

### چکیده

در این مقاله با عنوان «الگوهای مقابله مخالفان با ترویج کتب آسمانی از منظر قرآن و حدیث»، تلاش شده است با رویکردی تحلیلی و مستند، شیوه‌های متنوع و پیچیده‌ای که مخالفان در برابر کتب آسمانی اتخاذ کرده‌اند، بررسی شود. قرآن کریم و احادیث معصومان علیهم‌السلام نشان می‌دهند که مخالفت با کتاب‌های الهی، امری تاریخی، ریشه‌دار و فراتر از یک واکنش احساسی یا سطحی است. این مخالفت‌ها مبتنی بر انگیزه‌هایی مانند حفظ منافع فردی و اجتماعی، جهل و تعصب، لجاجت، هواپرستی و ترس از نفوذ پیام الهی در جامعه بوده‌اند. برخی از مهم‌ترین شیوه‌های این مقابله عبارت‌اند از: انکار جامعیت و آسمانی بودن کتب، بشری دانستن محتوا، نفی جنبه اعجاز، تحریف، کتمان و پنهان‌سازی حقایق، دور نگه داشتن مردم از کتاب، نسبت دادن تهمت‌هایی مانند سحر، و به فراموشی سپردن آموزه‌ها. همچنین رفتارهایی نظیر گزینشی عمل کردن، برخورد دوگانه با متون مقدس، استفاده ابزاری از آن‌ها، کنار گذاشتن کتاب به‌عنوان معیار قضاوت، و رفتارهای مصلحت‌اندیشانه و لجوجانه، از مصادیق مهم این مواجهه‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که این شیوه‌ها صرفاً به عصر نزول وحی محدود نبوده، بلکه در طول تاریخ ادیان و در دوران معاصر نیز با اشکال جدیدتری ادامه یافته‌اند. تحلیل این روش‌ها نه‌تنها برای شناخت

<sup>۱</sup>. استاد همکارمدرسه عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم‌علیه‌السلام، العالمیه نمایندگی خراسان

<sup>۲</sup>. دانش پژوه مقطع کارشناسی ارشد مدرسه عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم‌علیه‌السلام، العالمیه نمایندگی

تاریخ دینی، بلکه برای تبیین وضعیت معاصر در مواجهه با متون مقدس ضروری است. هدف نهایی پژوهش، ارائه شناختی عمیق از این رفتارها و فراهم‌سازی زمینه‌ای علمی برای مقابله فرهنگی، معرفتی و اجتماعی با این پدیده مستمر در تاریخ وحی الهی است.

**کلیدواژه‌ها:** کتب آسمانی، تحریف، تهمت سحر، کتمان، انکار کتب آسمانی

در طول تاریخ، کتب آسمانی همواره به‌عنوان منابع هدایت الهی، نقش بسزایی در تربیت و رشد معنوی انسان‌ها داشته‌اند. این کتب از طریق پیامبران الهی به بشر ابلاغ شده‌اند تا مسیر درست زندگی و حقیقت را به آنان نشان دهند. اما در برابر این هدایت الهی، همواره گروه‌هایی از مخالفان وجود داشته‌اند که به دلایل مختلف، از جمله منافع شخصی، سیاسی یا اجتماعی، درصدد مقابله و انکار این کتب بوده‌اند. مقابله با کتب آسمانی از جنبه‌های مختلفی همچون تحریف، تکذیب، تفسیر نادرست و ایجاد شبهات صورت گرفته است. در قرآن کریم و احادیث، شیوه‌های مختلف مقابله مخالفان با کتب آسمانی، به‌طور دقیق و روشن مورد اشاره قرار گرفته است. قرآن به‌صراحت از تحریفات عمدی و تلاش برای انکار پیام‌های الهی توسط گروه‌هایی چون بنی‌اسرائیل سخن می‌گوید. همچنین پیامبر اسلام ﷺ و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) نیز به شیوه‌های مختلف با این رفتارها مقابله کرده‌اند و در احادیث متعدد، به خطرات انحرافات و تحریف‌ها اشاره نموده‌اند. بررسی این شیوه‌ها نه‌تنها به درک بهتر تاریخ مواجهه مخالفان با کتب الهی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به شناخت دقیق‌تر این راهبردها در دوران معاصر نیز یاری رساند.

تبیین و تحلیل این موضوع در قالب یک تحقیق علمی، به کشف روابط و راهبردهای دشمنان در برابر کتب آسمانی منجر می‌شود. این پژوهش با استفاده از منابع معتبر قرآن و حدیث، تلاش دارد انواع مختلف این شیوه‌ها را طبقه‌بندی و تحلیل کند. منظور از کتب آسمانی در این پایان‌نامه، کتاب‌هایی است که در قرآن و احادیث به آن‌ها اشاره شده است؛ یعنی قرآن کریم، تورات، انجیل و زبور.

دو انگیزه مهم باعث شد که نگارنده به نگارش این موضوع بپردازد: نخست، اهمیت کتب آسمانی به‌عنوان منابع وحیانی که هدایت بشر را تضمین می‌کنند و نقشی محوری در زندگی انسان‌ها دارند. با توجه به تأثیر عمیق این کتب در شکل‌گیری فرهنگ و تمدن‌های بشری، بررسی مخالفت‌ها و مقابله‌های تاریخی با این منابع مقدس، از منظر قرآن و حدیث، به درک بهتر چالش‌های مربوط به انحرافات و تحریف‌ها کمک می‌کند. دوم، در دوران معاصر بسیاری از شبهات و نقدهایی که نسبت به کتب آسمانی و آموزه‌های دینی مطرح می‌شود، ریشه در همان شیوه‌های مخالفت گذشته دارد. از این‌رو، با بررسی دقیق شیوه‌های مقابله مخالفان در گذشته، می‌توان راهکارهای مناسبی برای پاسخ‌گویی به چالش‌های معاصر ارائه کرد. شناخت دقیق این شیوه‌ها از منظر قرآن و حدیث، نه‌تنها به مدافعان کتب آسمانی در جوامع اسلامی کمک می‌کند تا بهتر و مؤثرتر از ارزش‌های دینی خود دفاع کنند، بلکه موجب افزایش بصیرت در مواجهه با نقشه‌های فرهنگی و اعتقادی مخالفان نیز می‌شود.

## ۱. محدود کردن دسترسی مردم به کتاب‌های آسمانی

در قرآن کریم، خداوند می‌فرماید کسانی که کتاب الهی را پنهان می‌کنند و در برابر آن سود اندکی به دست می‌آورند، خود را گرفتار آتش دوزخ کرده‌اند و خداوند در روز قیامت با آنان سخن نخواهد گفت و عذاب دردناکی برایشان خواهد بود (سوره بقره، آیه ۱۷۴). همچنین در آیه‌ای دیگر، خداوند از کسانی که به آنان کتاب داده شده است، پیمان می‌گیرد که حقایق آن را برای مردم بیان کنند و آن را پنهان نسازند؛ اما برخی این عهد را شکستند و به خاطر سودی اندک، کتاب را کتمان کردند (سوره آل عمران، آیه ۱۸۷). تفسیر قمی ذیل این آیه اشاره می‌کند که این پیام به همه پیامبران الهی و به‌ویژه حضرت محمد ﷺ داده شده است تا حقیقت را پنهان نکنند.

قرآن همچنین به کسانی اشاره می‌کند که به وحی و کتاب‌های آسمانی ایمان ندارند و آن‌ها را انکار می‌کنند، و این خود نشانه نادیده گرفتن ارزش وحی است (سوره انعام، آیه ۹۱).

پنهان کردن کتب آسمانی، به‌ویژه توسط برخی از عالمان یهود در طول تاریخ، موجب حفظ قدرت آنان شده، اما مردم را از حقیقت دور کرده است. خداوند در قرآن، کتابی را که حضرت موسی (علیه السلام) آورده، نوری هدایت‌بخش معرفی می‌کند و مخالفت با آن را به‌منزله دور کردن مردم از دسترسی به حقایق می‌داند.

در مجموع، دور نگه داشتن مردم از کتاب‌های مقدس باعث می‌شود آنان نتوانند مستقیماً با حقایق الهی آشنا شوند و ناچار به پذیرش تفسیرهای دلخواه و تحریف‌شده گردند. قرآن کریم و معصومان (علیهم السلام) این رفتار را خیانت به امانت الهی دانسته و هشدار داده‌اند که چنین عملی موجب عذاب الهی خواهد شد. بنابراین، آگاه‌سازی و فراهم‌سازی دسترسی مردم به متون آسمانی، وظیفه‌ای مهم دینی و تاریخی به شمار می‌رود.

### ۱-۱. دلایل و پیامدهای جلوگیری از دسترسی به متون آسمانی

از مهم‌ترین دلایل جلوگیری از دسترسی مردم به متون آسمانی در طول تاریخ، حفظ منافع گروهی خاص و تثبیت قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی توسط عالمان دینی یا حاکمان ستمگر بوده است. این افراد با پنهان کردن حقایق الهی و آیات روشن، ضمن محافظت از جایگاه و منافع خود، مانع بیداری فکری و تحول اجتماعی در جامعه می‌شدند. این رفتار ناهنجار، در حقیقت جلوگیری از دسترسی مردم به هدایت حقیقی و نجات‌بخش کتب الهی است و زمینه‌ساز ایجاد تفرقه و اختلافات مذهبی میان امت‌ها به شمار می‌رود. بر اساس آموزه‌های شیعه، این امر سبب تحریف کتب آسمانی و تحمیل باورهای نادرست و مخرب می‌شود؛ باورهایی که مردم را از مسیر صحیح هدایت دور می‌کند. حقایق

روشن و آموزه‌های ناب قرآن و دیگر کتاب‌های آسمانی، همواره هدف دستبرد عالمان یا حاکمان قدرت طلب بوده است تا با سانسور و کتمان آن‌ها، مانع شکل‌گیری شناخت عمیق و حقیقی نسبت به دین و پیامبر اسلام ﷺ شوند. این روند نادرست سبب می‌شود جامعه هرگز به حقایق اصیل الهی دست نیابد و در گرداب خرافات و تحریف رفتار بماند. در قرآن کریم به صراحت آمده است کسانی که حقایق را پنهان می‌کنند، مورد لعن و نکوهش خداوند قرار خواهند گرفت و تنها بازگشت به توبه و اصلاح رفتار می‌تواند رحمت الهی را شامل حال آنان سازد. این پنهان‌کاری و تحریف، خیانتی بزرگ در حق دین و بشریت است که زمینه‌ساز استمرار جهل، اختلاف و بردگی فکری جامعه می‌شود. بنابراین، یکی از اهداف دسترس‌ناپذیر کردن کتب آسمانی، حفظ سلطه و جلوگیری از رشد فکری و اخلاقی جامعه به نفع طبقه‌ای خاص است که منافع خود را در تاریکی و ناآگاهی مردم جست‌وجو می‌کنند.

## ۲-۱. بررسی نتایج و آثار دسترسی نداشتن به کتاب‌های آسمانی

محروم ماندن مردم از دسترسی کامل و آزادانه به کتب الهی، زمینه‌ساز بی‌خبری، شکاکیت، گمراهی و انحراف در اعتقادات و عملکرد دینی است. جامعه‌ای که از چراغ روشن هدایت وحی محروم شود، در تاریکی جهل و نادانی سرگردان خواهد ماند و نمی‌تواند مسیر صحیح و حق را بیابد. این محرومیت، موجب شکل‌گیری فتنه‌ها، تفرقه‌های عمیق مذهبی و اختلافات نابجا در میان امت می‌شود که ریشه در ناآگاهی و کتمان حقایق الهی دارد. بر اساس آموزه‌های اسلامی، کتمان و پنهان‌سازی حقایق کتاب‌های الهی، خیانتی بزرگ به امانت الهی است و عاملان آن به شدت مورد نکوهش و غضب خداوند قرار می‌گیرند. قرآن کریم درباره چنین رفتارهایی هشدار داده و آنان را مستحق عذاب الهی دانسته است؛ زیرا کتمان حقیقت و جلوگیری از دسترسی مردم به هدایت، نه تنها آسیب به دین و جامعه، بلکه گناهی بزرگ در برابر پروردگار محسوب می‌شود. (تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۹۵، ذیل آیه ۱۳۶ سوره بقره)

از منظر شیعه و اهل سنت، این محرومیت تاریخی در بسیاری از دوره‌ها سبب شده است که جامعه از بهره‌گیری کامل از آموزه‌های قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) محروم بماند و به سوی خرافات، تحریف‌ها و برداشت‌های نادرست سوق داده شود. پیامد این وضعیت، گسترش جهل عمومی و سردرگمی فکری است که آثار مخربی بر اصلاح و پیشرفت جامعه بر جای می‌گذارد.

در نهایت، این رویکردهای کتمان‌گرایانه موجب نزول غضب الهی و محرومیت از رحمت خداوند برای کسانی می‌شود که می‌کوشند حقایق دین را پنهان سازند و مردم را از نور هدایت محروم کنند.

## ۲. دور نگه داشتن مردم از کتاب

مخالفان، به‌ویژه در تاریخ یهودیت، با کتمان بخش‌هایی از حقایق کتاب آسمانی خود، آن را از دسترس مردم دور نگه می‌داشتند تا منافع شخصی یا گروهی خویش را حفظ کنند. این کتمان، تحت عنوان «دور نگه داشتن از دسترس»، در قرآن کریم به‌شدت مذمت شده است.

قرآن کریم در آیات متعددی، از جمله آیه ۱۷۴ سوره بقره:

«إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ۖ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»

و نیز آیات ۱۳۶ سوره بقره، ۱۳ سوره مائده و ۹۱ سوره انعام، درباره افرادی که حقایق وحی را پس از بیان آن برای مردم کتمان می‌کنند یا بخش‌هایی از آن را پنهان می‌دارند، هشدار می‌دهد و این رفتار را خیانت به خدا و سبب خشم الهی معرفی می‌کند.

این عمل از منظر قرآن، تنها یک انحراف فکری نیست، بلکه گناهی بزرگ است که موجب محروم شدن جامعه از هدایت الهی می‌شود. همچنین در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز کتمان حقایق کتاب مقدس به‌شدت نکوهش شده و نوعی خیانت به امانت الهی دانسته شده است.

این روش سبب می‌شود مردم از دسترسی به حقیقت و آگاهی کامل محروم بمانند و در سیطره صاحبان قدرت و نفوذ قرار گیرند. (سوره آل عمران، آیه ۱۸۷، ترجمه انصاریان، ج ۱، ص ۷۵)

در طول تاریخ، برخی عالمان دینی و سران گروه‌ها، به دلایل دنیوی، سیاسی و اجتماعی، از بیان کامل و صادقانه آموزه‌های وحیانی خودداری کرده و بخشی از حقایق را پنهان یا تحریف کرده‌اند. چنین رفتارهایی موجب شده است که حقایق کتاب‌های آسمانی در دسترس عموم مردم قرار نگیرد.

دور نگه داشتن مردم از کتاب، نوعی سلب اختیار فکری از جامعه است که دین و کتاب مقدس را از زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم جدا می‌کند. قرآن کریم این رفتار را عامل سقوط و گمراهی مردم معرفی کرده و هشدار داده است کسانی که چنین می‌کنند، در آخرت گرفتار عذاب سخت خواهند شد. (تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۳۵)

بنابراین، دور نگه داشتن مردم از کتاب آسمانی، اقدامی هدفمند و راهبردی در مقابله با وحی الهی بوده که از طریق کتمان، پنهان کاری و تحریف حقایق صورت گرفته و در قرآن و احادیث به شدت مذمت شده است. شناخت این روش و مقابله علمی با آن، برای حفظ اصالت کتب آسمانی و هدایت جامعه دینی، امری ضروری به شمار می‌رود.

### ۳. مخفی نگه داشتن حقیقت کتب آسمانی

مخفی نگه داشتن حقیقت کتب آسمانی یا «کتمان»، یکی از روش‌های مقابله با پیام‌های الهی است که در قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است. این پدیده، به‌ویژه در میان اهل کتاب، به‌عنوان ابزاری برای حفظ منافع شخصی یا گروهی، موجب تحریف و پنهان‌سازی تعالیم الهی شده است.

قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعِينُونَ» (سوره بقره، آیه ۱۵۹)

«بی‌گمان کسانی که دلایل روشن و رهنمودهایی را که نازل کردیم، پس از آنکه آن‌ها را در کتاب برای مردم بیان نمودیم، کتمان می‌کنند، خدا آنان را از رحمت خود دور می‌کند و لعنت‌کنندگان نیز آنان را لعنت می‌کند.»

امام حسن عسکری (علیه‌السلام) در تفسیر این آیه می‌فرماید که گروهی از یهودیان «امی» و بی‌سواد بودند؛ یعنی نه خود کتاب آسمانی را درک می‌کردند و نه توان تشخیص حق از باطل را داشتند. این افراد تنها به عالمان و سران یهود اعتماد می‌کردند، در حالی که همان عالمان، آگاهانه حقایق کتاب آسمانی، از جمله بشارت به پیامبری پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امامت حضرت علی (علیه‌السلام) را کتمان می‌کردند و برخلاف آن سخن می‌گفتند.

یکی دیگر از مصادیق کتمان در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) سخن پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است که طبرسی در مجمع‌البیان نقل می‌کند:

«کسانی که اگر از آنان درباره دانشی پرسیده شود و آن را کتمان کنند، در حالی که از آن آگاه هستند، در روز قیامت افساری از آتش بر دهان آنان زده خواهد شد.» (مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۴۴۷)

خداوند در قرآن، کتمان حقیقت را در قالب دو محور بیان می‌کند:

۱. شیوه‌های خاص کتمان حقایق در کتب آسمانی؛

۲. روش‌های کلی مخالفت با وحی الهی.

در سوره بقره آمده است:

«فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ» (سوره بقره، آیه ۱۷۶)

مخالفان وحی الهی، با انکار اصل نزول وحی، در حقیقت به کتمان حقیقت پرداخته‌اند. این رفتار، به‌ویژه هنگامی که در برابر آموزه‌های آسمانی قرار می‌گیرد، نوعی پنهان‌سازی عمدی است که هدف آن دور نگه داشتن مردم از هدایت الهی و حفظ منافع خاص است. در آیه‌ای دیگر نیز می‌فرماید:

«وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْنَا مِنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ - مُوسَى نُورًا» (سوره انعام، آیه ۹۱)

این آیه به‌روشنی بیان می‌کند که مخالفان وحی، حقیقت نزول کتاب الهی را انکار کرده و نمی‌خواهند مردم از آن آگاهی یابند. در اینجا، کتمان حقیقت به‌عنوان ابزاری برای جلوگیری از پذیرش حق معرفی شده است.

یکی از دلایل مهم کتمان حقایق در کتب آسمانی، ناسازگاری این حقایق با منافع عالمان دنیاطلب بوده است. در طول تاریخ، برخی عالمان دینی برای حفظ جایگاه اجتماعی و منافع اقتصادی خود، بخش‌هایی از آموزه‌های وحیانی را پنهان می‌کردند تا مردم به درک صحیح و کامل از حقیقت دست نیابند. در واقع، این گروه با کتمان بخش‌هایی از حقیقت که منافع آنان را تهدید می‌کرد، مردم را از هدایت صحیح الهی بازمی‌داشتند.

### ۳-۱. فراموش شدن تدریجی کتاب‌های آسمانی

خداوند متعال در سوره مائده، به‌طور مستقیم به یکی از الگوهای تحریف و مخالفت با کتب آسمانی اشاره می‌کند:

«يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ»

خداوند در این آیه به رفتارهای تحریف‌آمیز و فراموش کردن بخشی از تعالیم الهی توسط یهودیان اشاره می‌کند. تحریف کلام الهی به این معناست که برخی افراد، به‌ویژه عالمان دینی، کلمات و آیات خداوند را از جایگاه اصلی خود تغییر داده و آن‌ها را به شکلی دیگر بیان می‌کردند تا با منافع و خواسته‌های شخصی یا اجتماعی آنان سازگار شود.

علاوه بر این، در آیه به‌طور خاص آمده است که آنان «بخشی از آنچه را به ایشان یادآوری شده بود، فراموش کردند». این فراموشی، صرفاً یک غفلت عادی و ناخواسته نبود، بلکه نوعی بی‌اعتنایی عمدی نسبت به بخش‌هایی از حقیقت به شمار می‌رفت که با منافع آنان در تعارض بود.

در تفسیر قمی (ج ۲، ص ۳۰۶) ذیل برخی آیات آمده است که مشرکان قریش، پیامبر اکرم ﷺ را به سحر و جنون متهم می‌کردند و در برابر حقیقت وحی، به تحریف و انکار روی می‌آوردند. این برخوردها نمونه‌ای از همان سیاست فراموش‌سپاری و نادیده گرفتن عمدی حقیقت به شمار می‌رود.

«فراموش‌سپاری آیات کتب آسمانی» یکی از شیوه‌های یهودیان در مواجهه با تعالیم الهی بوده است. این رفتار، نه تنها یک غفلت ساده، بلکه اقدامی هدفمند برای حفظ منافع فردی و اجتماعی محسوب می‌شد. هرگاه آموزه‌های الهی با خواسته‌ها و منافع آنان ناسازگار بود، بخشی از آن تعالیم را به فراموشی می‌سپردند و از دسترس عموم خارج می‌کردند تا حقیقت برای مردم آشکار نشود.

این فراموشی عمدی، سبب می‌شد مردم از فهم صحیح و کامل آموزه‌های وحیانی محروم شوند و جامعه از مسیر هدایت فاصله بگیرد.

#### ۴. نسبت دادن سحر به پیامبران در متون آسمانی

یکی از روش‌های رایج در مقابله با پیامبران و کتب آسمانی در طول تاریخ ادیان، نسبت دادن سحر و جادو به پیام‌آوران الهی و کلام وحی بوده است. مخالفان، به جای بررسی محتوای وحی، آن را ساحری، سحر و فریب معرفی می‌کردند تا مردم را از پذیرش آن بازدارند. این نوع برخورد، تحقیر حقیقت و تحریف نگاه مردم نسبت به پیام الهی به شمار می‌رود.

چنین رویکردی، نه تنها در عصر نزول قرآن، بلکه در همه دوران‌ها به‌عنوان حربه‌ای روانی و تبلیغاتی توسط دشمنان حقیقت مورد استفاده قرار گرفته است.

در تفسیر نمونه، ذیل آیه:

«كَذَّبَكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ»

بیان شده است که در گذشته، هرگاه پیامبری از سوی خداوند فرستاده می‌شد، مخالفان او به جای پذیرش حقیقت، وی را به سحر یا جنون متهم می‌کردند. این روش، یکی از شیوه‌های کهنه و رایج برای انکار وحی الهی بوده است. در واقع، متهم کردن پیامبران به سحر و جنون، ابزاری برای تضعیف و بی‌اعتبار کردن پیام‌های آسمانی محسوب می‌شد. (تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۷۰-۱۷۳)

علی بن ابراهیم قمی نیز در تفسیر خود ذیل این آیه بیان می‌کند که مخاطب آیه، مشرکان قریش بودند که نسبت‌هایی ناروا همچون «جادوگر» و «مجنون» به پیامبر اکرم ﷺ می‌دادند و خداوند به آنان پاسخ می‌دهد.

نسبت دادن سحر به محتوای کتب آسمانی، روشی برای مقابله با حقیقت وحی بود. این اتهام، معمولاً زمانی مطرح می‌شد که مخالفان از پذیرش آموزه‌های الهی ناتوان بودند و از نفوذ معنوی آن احساس خطر می‌کردند. برای نمونه، هنگامی که پیامبر اسلام ﷺ حقایق الهی را برای مردم بیان می‌کرد، برخی مخالفان به جای تأمل در محتوای آیات، آن را سحر و جادو می‌نامیدند تا مردم را از پیروی او بازدارند.

بنابراین، نسبت دادن سحر به پیامبران و کتب آسمانی، یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تخریبی مخالفان در برابر پیام الهی بوده است. قرآن کریم بارها این تهمت را نقل می‌کند تا چهره واقعی دشمنان وحی را آشکار سازد. همچنین اهل بیت (علیهم‌السلام) در روایات، این برخورد را نشانه نفاق، جهل و دنیاطلبی مخالفان دانسته‌اند. شناخت این شیوه، می‌تواند در تحلیل تاریخی و رسانه‌ای مخالفت با دین، نقش مهمی ایفا کند.

#### ۴-۱. اتهام‌های بی‌اساس درباره کتاب‌های آسمانی

یکی از الگوهای مهم و سازمان‌یافته مخالفان وحی الهی در طول تاریخ، نسبت دادن مطالب بی‌اساس، نادرست یا ساختگی به کتب آسمانی بوده است. این روش، به‌ویژه در مقابله با قرآن کریم، تورات و انجیل، از ابزارهای تحریف معنوی، تخریب مرجعیت وحی و ایجاد شبهه در میان مؤمنان به شمار می‌آید.

این رفتار، صرفاً ناشی از جهل نبود، بلکه غالباً ریشه در انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی داشت؛ موضوعی که در آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) مورد توجه قرار گرفته است.

نسبت‌های بیهوده می‌توانست شامل افسانه، اسطوره، خرافه، شعر، خواب و انواع تهمت‌ها نسبت به پیامبران یا محتوای کتاب‌های آسمانی باشد. نمونه روشن این روش، سخنان مشرکان مکه درباره قرآن است که می‌گفتند:

«وَقَالُوا أَأَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمَلَّى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا»

«و گفتند: این‌ها افسانه‌های پیشینیان است که او آن‌ها را نوشته و هر صبح و شام بر او خوانده می‌شود.»

در این آیه، دشمنان اسلام تلاش می‌کنند با نسبت دادن قرآن به افسانه‌های پیشینیان، اصل وحی را انکار کرده و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را فردی تقلیدگر معرفی کنند، نه دریافت‌کننده وحی الهی. هدف اصلی آنان، تخریب جایگاه قرآن و جلوگیری از نفوذ معنوی آن در جامعه بود.

در آیه‌ای دیگر نیز آمده است:

«بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتِرَاءُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ...»

«بلکه گفتند: خواب‌های پریشان است؛ بلکه آن را به دروغ ساخته؛ بلکه او شاعری

است...»

علاوه بر مشرکان، قرآن کریم به اهل کتاب نیز هشدار می‌دهد که برخی از آنان، مطالبی را به نام وحی به مردم عرضه می‌کردند و ادعا داشتند که از سوی خداوند است:

«قَوْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُوبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا»

«پس وای بر کسانی که کتاب را با دست خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: این از جانب خداست، تا بهای اندکی به دست آورند.»

این آیه نشان‌دهنده عمق تحریف و نسبت‌های دروغین در جوامع دینی گذشته است؛ جایی که برخی افراد برای دستیابی به منافع مادی، دست به جعل و تحریف می‌زدند. در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز نسبت ناروا به قرآن و سایر کتب آسمانی به شدت نکوهش شده است. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ، إِنْ أَصَابَ لَمْ يُوجَرْ، وَإِنْ أَخْطَأَ سَقَطَ أَبْعَدَ مِنَ السَّمَاءِ»  
 «کسی که قرآن را بر اساس رأی شخصی خود تفسیر کند، اگر هم به حقیقت برسد، پاداشی ندارد و اگر خطا کند، سقوطی دورتر از فاصله آسمان تا زمین خواهد داشت.»  
 این روایت نشان می‌دهد که تفسیر به رأی، یکی از مصادیق نسبت نادرست به کتاب خدا و تحمیل معانی بی‌پایه بر متن مقدس است.

همچنین امام باقر (علیه‌السلام) می‌فرماید:  
 «إِنَّمَا هَلَكَ النَّاسُ فِي الْمُتَشَابِهِ لِأَنَّهُمْ لَمْ يَقِفُوا عَلَى مَعْنَاهُ...»  
 طبق این روایت، بسیاری از انحرافات دینی به سبب تأویلات نادرست و نسبت‌های بی‌اساسی است که افراد از ذهن خود ساخته و به کتاب الهی تحمیل کرده‌اند.

در نتیجه، این شیوه مخالفان، یکی از خطرناک‌ترین ابزارهای تخریب حقیقت وحی به شمار می‌رود که قرآن کریم و اهل بیت (علیهم‌السلام) با روشنگری، استدلال و هشدارهای شدید، در برابر آن ایستاده‌اند. شناخت این رفتار، برای مقابله با تحریف‌های معاصر و دفاع عقلانی از دین، اهمیت فراوانی دارد.

## ۵. برگزیدن بخش‌های دلخواه از متون دینی

یکی از شیوه‌های ظریف اما بسیار خطرناک در مخالفت با کتب آسمانی، گزینشی عمل کردن نسبت به آموزه‌های وحیانی است؛ به این معنا که برخی افراد یا گروه‌ها تنها بخش‌هایی از کتاب آسمانی را می‌پذیرند که با منافع، باورها یا خواسته‌های آنان سازگار است و سایر بخش‌ها را نادیده گرفته یا رد می‌کنند.

این رفتار، نه تنها نوعی تحریف عملی دین به شمار می‌رود، بلکه بی‌احترامی به جامعیت و الهی بودن پیام وحی نیز محسوب می‌شود. قرآن کریم با صراحت این شیوه را نکوهش کرده و پیامدهای آن را بیان می‌کند. همچنین در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز این رفتار به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است.

قرآن کریم می‌فرماید:

«أَقْتُمُونَ بَعْضَ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ» (سوره بقره، آیه ۸۵)

در تفسیر عیاشی، از ابو عمرو زبیری نقل شده است که امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: کفر در قرآن بر پنج نوع است: کفر براءت، کفران نعمت، کفر ناشی از ترک اوامر الهی، کفر نسبت به آنچه اهل بیت علیهم السلام به عنوان فرمان الهی بیان می‌کنند، و کفر ناشی از گناه و سرپیچی از احکام خداوند.

سپس امام صادق علیه السلام برای تبیین یکی از مصادیق این کفرها، به آیات مربوط به بنی اسرائیل استناد می‌کنند؛ آنجا که خداوند می‌فرماید:

«وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ... أَقْتُمُونَ بَعْضَ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ

بِبَعْضٍ»

در این آیه، ترک برخی دستورات الهی، مانند نهی از خون‌ریزی، مصادیقی از کفر به اوامر الهی دانسته شده است. خداوند با لحنی هشدارآمیز، بنی اسرائیل را سرزنش می‌کند که چرا به بخشی از کتاب ایمان می‌آورند و بخش دیگری را انکار می‌کنند. آنان با رفتاری گزینشی، بخشی از احکام را پذیرفته و برخی دیگر را عمداً کنار گذاشته بودند. (ناظمیان، رضا، ترجمه تفسیر روایی البرهان، ج ۲، ص ۳۹۱)

۵-۱. بی‌توجهی و روی گردانی از کتاب‌های آسمانی

یکی از روش‌های مخالفت با کتاب‌های آسمانی در طول تاریخ، بی‌توجهی و روی گردانی از آن‌ها بوده است. در این شیوه، برخی افراد نه از طریق تکذیب مستقیم یا تحریف آشکار، بلکه با بی‌اعتنایی عملی تلاش می‌کردند پیام الهی را بی‌اثر سازند. این بی‌توجهی می‌تواند به شکل‌های مختلفی بروز پیدا کند؛ مانند: نخواندن آیات، عمل نکردن به دستورات الهی، بی‌تفاوتی نسبت به آموزه‌های دینی، یا حتی تمسخر غیرمستقیم قرآن.

قرآن کریم و سخنان اهل بیت علیهم السلام این نوع برخورد را به شدت نکوهش کرده و آن را از عوامل اصلی گمراهی انسان دانسته‌اند.

خداوند در قرآن از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

«وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»

«پروردگارا! قوم من این قرآن را رها کردند و از آن فاصله گرفتند.» (سوره فرقان، آیه

۳۰)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها اهمیت قرآن را یادآور شده و فرموده‌اند که قرآن: چراغ هدایت، نور نجات‌بخش از تاریکی جهل، راهنمای جلوگیری از انحراف، مرهم سختی‌ها و غم‌ها، و سپری در برابر فتنه‌ها و نابودی است.

ایشان تأکید می‌کنند که همه کمال دین در این کتاب نهفته است و هرکس از قرآن روی گردان شود و راهی غیر از آن برگزیند، سرانجامی جز سقوط و عذاب نخواهد داشت. (تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۵-۱۷، ح ۵؛ ناظمیان، رضا، ترجمه تفسیر روایی البرهان، ج ۲، ص ۲۸)

خداوند همچنین به رفتار قوم «اصحاب حجر» اشاره می‌کند؛ قومی که پیامبران خود را تکذیب کردند و آیات الهی را نادیده گرفتند. آنان با وجود مشاهده نشانه‌های روشن الهی، حقیقت را عمداً کنار گذاشتند و از آن روی گردان شدند. این رفتار، نوعی تحریف معنوی به شمار می‌رود؛ یعنی انسان حقیقت را می‌بیند، اما به سبب تعصب، منفعت‌طلبی یا لجاجت، آن را نادیده می‌گیرد.

در حقیقت، روی گردانی از آیات الهی به این معناست که انسان آگاهانه از پذیرش پیام خدا سر باز زند. نتیجه چنین رفتاری، گمراهی و گرفتار شدن در عواقب سخت دنیوی و اخروی خواهد بود؛ همان‌گونه که درباره اصحاب حجر رخ داد.

## ۶. نگاه متفاوت و دوپهلوی به کتاب‌های آسمانی

مشرکان در قرآن کریم، برخوردار دوگانه نسبت به کتب آسمانی دارند؛ بدین معنا که گاهی به آسمانی بودن آن‌ها اذعان می‌کنند و گاهی همان حقیقت را انکار می‌نمایند. این تناقض رفتاری، ناشی از برخورد ایدئولوژیک و مخالفت با حقایق الهی است و به بی‌ثباتی در ایمان آنان منجر می‌شود.

قرآن کریم این وضعیت را نقد کرده و آن را نشانه ضعف ایمان مشرکان می‌داند؛ زیرا آنان از پذیرش کامل حقیقت کتب الهی سر باز می‌زنند و تنها به صورت گزینشی با آن برخورد می‌کنند.

در تفسیر مجمع‌البیان آمده است که این نوع رفتار دوگانه، تنها مخصوص مشرکان نبوده، بلکه در میان برخی یهودیان نیز دیده می‌شد. آنان میان پیامبران الهی تبعیض قائل می‌شدند؛ برخی را می‌پذیرفتند و برخی دیگر را انکار می‌کردند، در حالی که قرآن کریم تصریح می‌کند همه پیامبران از سوی خداوند آمده‌اند و همه کتب آسمانی، یکدیگر را تأیید می‌کنند. (مجمع‌البیان، ج ۸، ص ۴۵۵)

قرآن کریم، دین اسلام را دین کامل و نهایی معرفی می‌کند که تصدیق‌کننده کتب پیشین، همچون تورات و انجیل، است. بر اساس آموزه‌های قرآن، همه پیامبران الهی مردم را به یک حقیقت واحد دعوت کرده‌اند که ریشه در توحید و معاد دارد. تفاوت‌ها تنها در شریعت‌ها و احکام متناسب با شرایط زمانی و مکانی بوده است.

از نکات مهم قرآن این است که اهل کتاب نیز موظف به ایمان آوردن به پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و کتاب آسمانی جدید هستند و نمی‌توانند بر اساس تعصبات قومی یا ایدئولوژیک،

برخی پیامبران یا آیات را بپذیرند و برخی دیگر را انکار کنند. قرآن هشدار می‌دهد که نپذیرفتن کامل پیام الهی، موجب محرومیت از رحمت خداوند و گرفتار شدن در عذاب خواهد شد.

همچنین قرآن تأکید می‌کند که خداوند حافظ کتب آسمانی است و نزول قرآن، استمرار و تکمیل همان مسیر الهی پیشین به شمار می‌رود. این حقیقت، نشان‌دهنده پیوستگی، اصالت و یکپارچگی پیام آسمانی است و اسلام را به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین جلوه هدایت الهی معرفی می‌کند.

بنابراین، قرآن به‌روشنی بیان می‌کند که مشرکان، به دلیل تعصبات و نگاه‌های ایدئولوژیک خود، نه حقیقت آسمانی را به‌طور کامل می‌پذیرند و نه آن را به‌صورت کامل رد می‌کنند. این رفتار، نشانه‌ای از بی‌ثباتی در ایمان و نوعی انحراف فکری است. همان‌گونه که در مورد برخی یهودیان نیز مشاهده می‌شود، ایمان به همه پیامبران و کتاب‌های آسمانی ضروری است و هرگونه انکار یا تبعیض در این زمینه، با منطق توحیدی قرآن ناسازگار خواهد بود.

## ۶-۱. نگاه تبعیض آمیز به کتاب‌های آسمانی

در قرآن کریم آمده است که هنگامی که به یهودیان گفته می‌شد: «به آنچه خدا نازل کرده ایمان بیاورید»، آنان پاسخ می‌دادند: «ما تنها به آنچه بر خودمان نازل شده ایمان می‌آوریم» و در نتیجه، قرآن را - با وجود آنکه در حقیقت تأییدکننده کتاب‌های پیشین بود - انکار می‌کردند (سوره بقره، آیه ۹۱).

این رفتار نشان‌دهنده نوعی برتری‌جویی قومی و دینی است. آنان پیام الهی را به‌صورت گزینشی می‌پذیرفتند؛ یعنی آنچه با هویت قومی و منافعیشان سازگار بود قبول می‌کردند و سایر بخش‌ها یا پیام‌های جدید الهی را رد می‌نمودند. در واقع، ایمان آنان نه بر اساس حقیقت، بلکه بر پایه تعصب شکل گرفته بود.

در مقابل، قرآن کریم نگاهی جهان‌شمول و انسانی دارد. خداوند در آیات متعدد، انسان‌ها را با خطاب‌هایی همچون «یا ایها الناس» و «یا بنی آدم» مورد خطاب قرار می‌دهد؛ امری که نشان می‌دهد معیار ارزش‌گذاری در نگاه قرآن، انسانیت است نه نژاد، قومیت یا جغرافیا.

اسلام هرگونه برتری‌جویی نژادی و تبعیض قومی را نفی می‌کند. خداوند در سوره حجرات می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»

«ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست.»

بر این اساس، تفاوت‌هایی مانند زبان، رنگ پوست، نژاد یا قومیت معیار برتری نیستند، بلکه نشانه‌ای از حکمت الهی در تنوع آفرینش انسان‌ها هستند. این تنوع، زمینه شناخت، تعامل و تکامل اجتماعی را فراهم می‌سازد و از یکنواختی و رکود زندگی انسانی جلوگیری می‌کند.

## نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل شیوه‌های مقابله مخالفان با کتب آسمانی در قرآن و حدیث نشان می‌دهد که این الگوهای مقابله، ریشه‌دار، متنوع و تاریخی بوده و در اشکال مختلف در دوران معاصر نیز ادامه یافته‌اند. این شیوه‌ها صرفاً پدیده‌هایی مربوط به گذشته نیستند، بلکه در قالب‌های جدید فرهنگی، رسانه‌ای و فکری نیز بازتولید می‌شوند.

آگاهی از این روش‌ها برای مدافعان کتب آسمانی ضروری است؛ زیرا این شناخت، زمینه مواجهه علمی، فرهنگی و هوشمندانه با شبهات و تحریف‌ها را فراهم می‌کند و از واکنش‌های احساسی و غیرمنطقی جلوگیری می‌نماید. در واقع، فهم دقیق این الگوها امکان تدوین راهبردهای مؤثر در دفاع از متون وحیانی را فراهم می‌سازد.

از سوی دیگر، شناخت این الگوهای تاریخی، زمینه تحلیل بهتر وضعیت معاصر را نیز فراهم می‌کند؛ چراکه بسیاری از شبهات و نقدهای امروزی، بازتولید همان شیوه‌های قدیمی در قالب‌های جدید هستند. بنابراین، تقویت سواد دینی و ارتقای آگاهی عمومی، به‌ویژه در میان نسل جوان، نقش مهمی در مقابله با این جریان‌ها دارد.

در نهایت، آگاهی از این شیوه‌ها موجب افزایش بصیرت دینی جامعه شده و از نفوذ جریان‌های فکری و فرهنگی مخالف که با انگیزه‌های مختلف به مقابله با کتب آسمانی می‌پردازند، جلوگیری می‌کند. این امر علاوه بر پاسداری از اصالت متون وحیانی، به حفظ هویت دینی و ارتقای سطح معرفتی جامعه نیز کمک خواهد کرد.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. احمد بن ابویعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی. بیروت، لبنان: بی تا.
۳. خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن. قم، ایران: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.
۴. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه. قم، ایران: مؤسسه دار الهمجره، ۱۴۱۴ ق.
۵. طبری، محمد بن جریر بن یزید، تفسیر جامع البیان طبری. بیروت، لبنان: دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان. بیروت، لبنان: دار المعرفه، ۱۴۰۸ ق.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ ق / ۱۹۷۳ م.
۸. علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۱۷.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی. قم، ایران: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، ۱۳۸۷ ش / ۱۴۳۰ ق.
۱۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار. بیروت، لبنان: دار احیاء التراث العربی، ۱۱۰۴ یا ۱۱۰۶ ق.
۱۱. ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۸۰ ش.
۱۲. نشریه معرفت، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، تابستان ۱۳۷۰، شماره ۱.